

اعضای کمیسیون فرهنگی مجلس:

## کلید حل مشکلات جامعه ما

### فقه پویا و اجتهاد نوین است

اشاره:

دهیم که امیدواریم به سهم خود در این زمینه

گرمه گشا باشیم. انشاء الله

آنچه در پی می‌آید حاصل میزاندیشه‌ای

است که در همین زمینه با حضور خانم دکتر

فاطمه راکعی و جناب حجت الاسلام والمسلمین

محمدباقر ذاکری (اعضای کمیسیون فرهنگی

مجلس) انجام داده‌ایم.

\* \* \*

حضور: ضمن تشکر از حضور

مهمانان گرامی در این میزاندیشه

ابتدائاً از خانم دکتر فاطمه راکعی

می‌خواهیم به طور کلی درباره

مشکلات فعلی جامعه ما و راه حل

آنها اظهار نظر بفرمایند.

خانم دکتر فاطمه راکعی: بنده شخصاً

معتقدم که تز بسیار مهم و فراگیر حضرت

امام که تضمین کننده نظام اسلامی و ضامن

هر جامعه‌ای مسایل و مشکلات خاص خود

را دارد. جامعه ما نیز مسایل و مشکلاتی دارد

که از نظر اندیشه مندان و محققان و یا

مسئولین کشور از لحاظ اهمیت دارای مراتب

گونگون است. عده‌ای مشکل اصلی جامعه ما را

اقتصادی، عده‌ای سیاسی و عده‌ای دیگر

فرهنگی می‌دانند. در هر حال تشخیص مشکلات

اساسی، ریشه یابی آنها و یافتن راه حل رهایی

نیز از مباحث مطرح جامعه است و باید باشد.

طبعاً در تحلیل این گونه مسایل، اندیشه‌های

امام خمینی به عنوان بنیانگذار جامعه نوین ما،

دارای آنچنان پویایی و قدرتی است که می‌تواند

منبع الهام و راهگشایی باشد. از این رو تصمیم

داریم به حول و قوه الهی منبهد صفحاتی از

مجله حضور را به مباحث مسئولان و متفکران

درباره مشکلات جامعه و راه حل آنها اختصاص





اقتصادی و ...- بر سر راه ما قرار نمی گرفت. متأسفانه این مسأله از طرف حوزه‌های علمیه ما جدی گرفته نمی شود. به دلیل اینکه در این خصوص سیاستگذاری پویایی وجود ندارد، و در همه حال تأکید روی سنتهاست یعنی مسائلی که سالهای پیش به آن عمل می شد در اولویت قرار می گیرد. نسل سوم ما با توجه به مقتضیات زمان و مکان با مشکلات بسیاری گریبانگیر است و مشکلی که نسل جوان را با آن مواجه کرده غیر از این نیست. چرا که این نسل ذهن پویایی دارد و می پرسد، و می دانیم یکی از شعائر بسیار مهم اسلامی ما اهمیت دادن به تفکر است، و باید به این نکته توجه داشته باشیم که يك

بقای نظام و کلید حل مشکلات است، همان فقه پویا و اجتهاد نوینی است که می توانیم با توسل به امام، احکام اسلامی را با مقتضیات زمان و مکان تطبیق دهیم. یکی از مسایل مهم - البته اگر نگوئیم مهمترین مسئله - همین امر بوده است که اگر واقعاً آن گونه که حضرت امام بر آن تأکید داشتند و به طور مکرر در مورد آن صحبت می کردند و در بسیاری از مواقع از آن به عنوان اصل مهم یاد می فرمودند، از طرف مسئولین به عنوان تضمین کننده بقای اسلام مورد توجه قرار می گرفت و به طور دقیق به آن عمل می شد، این همه معضلاتی که متأسفانه کشورما با آن روبروست - معضلات فرهنگی، اجتماعی،



ساعت تفکر بهتر از سالیان سال عبادت است. تفکر در اسلام از ارزش بسیار بالایی برخوردار است و اگر جوانان اصول را - به خصوص اصول معنوی و زیرسازهای آن و باورهای معنوی را - با استدلال خود نپذیرند، نباید انتظار داشت مسائلی را که به فروع دین و اعمال دینی مربوط است و مسائلی که بیشتر فقه و فقهات در آن نقش دارند، بتوانند به آسانی بپذیرند. ما در حال حاضر مسائل بسیاری در سطح کشور داریم که به علت معطل ماندن اجتهاد پویا به عنوان معضل درآمده است.

زمینه‌های مختلفی که رفتارهای دینی و اجتماعی و هنجارهای اجتماعی و دینی ما را تشکیل می‌دهند؛ مانند مسائل دختران و زنان، و موضوعاتی که به فرهنگ ما مربوط می‌شوند همه و همه مسائلی هستند که به نظر من در این حوزه قرار می‌گیرد. اگر ما با برنامه‌ریزی اصولی و سریع به آن نپردازیم و در این خصوص باب اجتهاد پویا باز نشود و حوزه‌های فعال در این خصوص وارد نشوند و آنگونه که شایسته و بایسته است برخورد نکنند، امکان اینکه نسل سوم انقلاب با باورهای دینی انس بگیرد بسیار کم است و حتی ممکن است که روز به روز از باورهای معنوی و اعتقادی فاصله بیشتری بگیرند.



حضور: خانم را کمی بحث مهمی را پیش کشیدند. شاید به دلیل اینکه از جهت تفکرات فقهاتی و نتیجه آن در جامعه، دچار خلاء یا کمبود هستیم، در بسیاری از برنامه‌ریزیها با شك و تردید پیش می‌رویم. در جوامع اروپایی بخش عظیمی از این بن‌بستها توسط دانشمندان و متفکران گشوده می‌شود. در ایران نیز به خاطر ایدئولوژی شیعه و نظام فقهات به نظر می‌رسد که این موانع را فقها بایستی رفع کنند و البته چنین رسالتی کار ساده‌ای نیست، انتظار کمی نیست که از آنها بخواهیم همراه تحولات، دیدگاه‌های جدیدی را مطرح کنند. یکی از کسانی که بسیاری از سنتها را شکست - خانم دکتر نیز به آن اشاره کردند - امام خمینی بودند که به عنوان رهبر انقلاب اسلامی در این زمینه پیش قدم بودند. با این مقدمه از جناب آقای ذاکری می‌خواهیم ضمن بیان مفهوم اجتهاد پویا دیدگاه‌های حضرت امام را در این خصوص بفرمایند و اینکه چگونه می‌توان نسل سوم انقلاب را با توجه به دیدگاه‌های حضرت امام به سمت يك زندگی با

معنا و مفهوم اسلامی هدایت کرد؟

حجت الاسلام محمدباقر ذاکری: بنده به خاطر عشق و علاقه خاصی که به اندیشه‌های حضرت امام دارم که در واقع عزت و شرف و حل مشکلات ما، در شناخت راه و اندیشه امام است، در اینجا حضور پیدا کرده‌ام تا در خصوص دیدگاه‌های امام در مسایل مختلف بویژه مسایل فرهنگی صحبت کنیم.

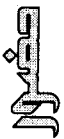
اگر در مؤسسه نشر آثار امام بودم، پیشنهاد می‌کردم که نظرات امام را در خصوص هر مسئله‌ای استخراج کنند و پیش روی سخنرانان قرار دهند و آنها به داوری بنشینند که این مسائل و دیدگاهها چقدر رعایت شده، و اگر رعایت نشده، چرا؟ به نظر من بهتر است که در ابتدا مشخص شود که ما کدام دیدگاه امام را مورد بررسی قرار می‌دهیم؟ و بیشتر می‌پسندم موضوعی مطرح شود که در تخصص ما هست. چرا که هر موضوعی را نباید از هرکسی پرسید و هرکسی هم نباید به خودش اجازه دهد تا درخصوص آنچه اطلاع ندارد صحبت کند، بخصوص با توجه به اینکه قانونی داریم که اگر کسی در مقام اظهارنظر، نظرات امام را تحریف کرد جرم است و مجازات دارد.

من به عنوان کسی که سه دوره نماینده

□ راکمی: نسل سوم ما با توجه به مقتضیات زمان و مکان با مشکلات بسیاری گریبانگیر است

□ در حال حاضر مسائل بسیاری در سطح کشور داریم که به علت معطل ماندن اجتهاد پویا به صورت معضلی درآمده است

□ اصلاحات تداوم طبیعی انقلاب اسلامی است



هستم و امام نیز، جایگاه بسیار والایی را برای مجلس قائل بودند، خودم را صاحب نظر می‌دانم که بگویم نظرات امام درخصوص مجلس چه بود و تا چه اندازه این نظرات از طرف مجلس رعایت شده و چقدر از طرف دیگر ارکان دولتی رعایت شده است. اگر بحث به طور کلی مطرح شود به نتیجه نمی‌رسیم.

حضور: با توجه به اینکه دو بزرگوار شرکت کننده در این میز اندیشه در حوزه فرهنگی مجلس خدمت می‌کنند باورما این است که یکی از بزرگترین معضلات ما کم توجهی نسل سوم در فضای جامعه ما به چیزی است که پدران و برادران آنها در بهمن ۵۷، انجام دادند، و این يك مسیر تاریخی است که در يك جامعه نسلهایی که در جریان و کوران انقلاب به وجود می‌آیند با نسل هایی که در فاصله های دورتر از انقلاب شکل می‌گیرند، از نظر میزان توجه و تبعیت به مبانی انقلاب در يك طیف نباشند. اما باید این را بپذیریم که در برخی از اصول، موارد مشترک نیز دارند.

به طور شفاف، سؤال ما این است

که؛ با نگاه به طیف اندیشه های فرهنگی امام و آنچه که به عنوان ابزار در دست مدیران و برنامه ریزان کشور است، واقعاً چه باید کرد که نسل سوم در این مسیری که گام برمی‌دارد، به آن اندیشه‌هایی که شما به عنوان نسل اول و ما به عنوان نسل دوم به آن وفادار بودیم، پای بند بماند. قطعاً تصدیق می‌کنید که بی‌توجهی نسل فعلی نسبت به این ارزشها می‌تواند بحران ساز باشد و در حوزه مبارزه با انقلاب اسلامی هم یکی از ابزارهایی که روی آن کار می‌کنند، همین موضوع است. یعنی بی‌توجه کردن نسل جوان به بسیاری از واقعیتها.

حال با تکیه به نگاهی که امام داشته و با آنچه که در اختیار داریم چه کنیم تا این نسل به این راه برگردد. گره‌ها را چگونه باز کنیم؟ شما مشکلات را در کجا می‌بینید و راهکارها را در چه چیزهایی می‌دانید.

ذاکری: بحث معضلات جامعه و به خصوص معضلاتی که گریبانگیر نسل سوم شده، مسائلی است که بحث خاص خود را دارد. انواع مشکلاتی که وجود دارد، اعم از سیاسی، اقتصادی و ... مسائلی است که



حضور: شما در حال حاضر به يك بحران اشاره كرديد كه ظاهراً مبتنى بر ناكارآمدى بعضى از مديران كشور بود، اگر چنین است توضیح بفرمایید. ذاكرى: بحث ناتوانى مديران جداست، واقعيت اين است كه ما نتوانستيم به حداقل آن مسائلى كه امام فرمودند، و در دين و آيين و قانون اساسى ما به آن اشاره شده جامعه عمل بپوشانيم. اگر اين كار را انجام داده بوديم و حداقلها را در نظر مى گرفتيم، فضاي جامعه و ديده نسل جوان چيز ديگرى بود.



حضور: اين حداقلهاى كه شما از

آن ياد مى كنيد چيست؟

ذاكرى: همين حداقلهاى قانون اساسى كه در واقع مى توان آن را خلاصه اى از قرآن و نهج البلاغه تلقى كرد و در شرايط خاص خودش صراحت دارد؛ مسكن براى همه، اشتغال براى همه، آموزش رايجان براى همه، كه اينها همه مسائلى اقتصادى است. در مسائلى سياسى هم ظلم نكردن، تبعيض قائل نشدن، با مجرمان سياسى عادلانه برخورد كردن - همان طور كه اصل ۱۶۸ قانون اساسى به آن اشاره داشته است - اينها مسائلى است كه آنگونه كه شايسته و بايسته بوده عمل نشده است.

جای بحث خاصی را می طلبد. اگر بخواهیم اینها را به افکار امام ارتباط دهیم، به طور کلی می توان گفت: با توجه به مرام و زندگى اى كه حضرت امام داشتند و توصیه هاى مكرر ایشان كه فشرده آن در وصيت نامه امام ذكر شده و چيزى از آن كسر نشده، و همه برگرفته از قرآن و سنت پيامبر بوده است، اگر مسئولين ما - در هر بخشى كه هستند - آنگونه كه شايسته بود، به وظايف خود عمل مى كردند و در رأس همه مسائل، ساده زيستى خود را حفظ مى كردند، قضاوت مردم و نسل جوان چيز ديگرى بود.



بسیاری از قضاوت‌هایی که ما نمی‌پسندیم و مربوط به نسل جوان است، برمی‌گردد به آنچه گفته شد. امام راحل نیز این مسئله را بیان کردند. حالا اگر بخواهیم در این خصوص بحث کنیم، متفاوت است.

امام جایی فرمودند شخصی نزد کسی رفته و گفته بود که اگر قیامتی نیست، شما به ما هم بگویید که نیست، اگر هست، پس چرا شما اینطور هستید؟

سپس خطاب به حاضرین فرمودند: مبادا روزگاری بیاید که مردم این حرف را به ما بگویند.

بسیاری از مشکلات به آنجا برمی‌گردد که متأسفانه خیلی‌ها به آنچه گفته‌اند، عمل نکردند و تضاد بین عمل و گفتار از گناهان کبیره است. خداوند در قرآن فرموده که: گناه بزرگی است، اگر بگویید و عمل نکنید. به نظر من هم بزرگترین مشکلات همین تضاد بین عمل و گفتار است که متأسفانه همیشه بوده و هست.

حضور: در سال‌های گذشته مشکلی داشتیم که مانع بسیاری از کارهایمان شد، از جمله مانع شد که حتی به دستورات امام عمل کنیم و آن بروز پدیده‌ای به نام تفوق مصالح بر

□ ذاکری: امام که خودشان از شر نفس رها شده بودند، همواره در بحث اخلاق به مسئله تهذیب تأکید می‌کردند

□ همه تلاش امام این بود که افکار خشک و بسته‌ای را که حتی در حوزه‌های علمی ما بود، کنار بزنند

□ بسیاری از مشکلات به آنجا برمی‌گردد که متأسفانه خیلی‌ها به آنچه گفته‌اند عمل نکردند، حال آنکه تضاد بین عمل و گفتار از گناهان کبیره است



منافع است. و این باعث می شود که گروهی شعار حضرت امام را داشته باشند ولی آنچه خاص خودشان است انجام دهند و به هر حال مانع بسیاری از موضوعاتی شوند که آقای ذاکری به آن اشاره کردند، از جمله عدم اجرای تمام و کمال قانون اساسی و عمل به فرامین حضرت امام. خانم دکتر، آیا شما به این پدیده که در جامعه ما هست، معتقدید یا خیر؟

□ راکعی: کسانی که در زمان حضرت امام جرأت عرض اندام نداشتند بعد از ایشان رو در روی اصلاحات و تفکر امام ایستادند

راکعی: من گمان می کنم این دو بعدی که اشاره شد، مسائلی به هم تنیده است. در واقع مشکلات نظام که در سطوح بسیار کلی مطرح می شود، مسائلی است که به عنوان قانون محکمی می توانیم دیدگاه های نوین حضرت امام را به آن مرتبط کنیم، و همان هایی است که با توجه به اجتهاد پویا می توانیم در قانون اساسی هم پیاده کنیم. اما در حال حاضر، یعنی از بدو پیروزی انقلاب تا به امروز چندین واقعیت داشتیم که باعث شده مسئله پیچیده شود. مسائلی که حضرت امام در نظر داشتند و توصیه می فرمودند، و قانون گذاران را به ساماندهی کشور دعوت می کردند؛ همین مسأله اجتهاد پویاست که از نظر من مسائل دیگر را تحت شعاع قرار می دهد، و به آن پرداخته نشده که اگر این

□ اگر می گوئیم و می خواهیم اسلام حفظ شود باید تہذب را تقویت کنیم

□ من ساختار دوگانه تفکر سیاسی را مهم می دانم، چرا که معتقدم مسائل دیگر، مسائل پیرامونی آن هستند



می‌بود، و در سطوح مختلف قانون‌گذاری، از جمله قانون مجازات، قانون مدنی و در قانون استخدامی کشوری موارد تبعیض آمیز یا مواردی که به نوعی قشرهایی از جامعه احساس تبعیض کنند، وجود نداشت - با توجه به اینکه در اسلام تبعیض وجود ندارد - ما بسیاری از مشکلات را نداشتیم. به هر حال مواردی که با نگاه و با استفاده به فقه پویا و اجتهاد نوین می‌توانیم آنها را اصلاح کنیم، آن صورت نگرفت.

يك مورد بسیار مهم که حاج آقا به نوعی به آن اشاره کردند، بحث خلق و خو و نفسانیات آدمی است که حضرت امام از آن بسیار مکدر بودند و همیشه توصیه می‌کردند که از مکاید نفس حذر کنید، چرا که همین نفس زمینه‌ساز بسیاری از مشکلات است. یعنی همان چیزی که متأسفانه علی‌رغم تأکیدات حضرت امام و علی‌رغم تأکیدی که امام علی (ع) در نهج البلاغه به کارگزاران خود می‌فرمودند و ما سابقه تاریخی آن را داریم و در اسلام عزیز هم به آن توجه شده است، به آن نپرداختیم. مسائل دیگر مانند، جنگ، و مسائل داخل و خارج مرزها که هیچ کدام از آنها جدای از هم نیستند و در هم تنیده‌اند و در اوضاع داخلی و سیاستهای خارجی کشور نقش داشته‌اند به هر کدام از

آنها می‌توان جداگانه پرداخت.

حضور: یعنی اینکه شما عوامل خارج از مرزها را در این بی‌سامانی بیشتر دخیل می‌دانید؟

راکعی: به هیچ وجه نمی‌توانم بگویم کدام مؤثرتر بودند، ولی می‌توانم بگویم که همه آنها تأثیر دارند. بنده ساختار دوگانه تفکر سیاسی را مهم می‌دانم چون معتقدم مسائل دیگر، مسائل پیرامونی تر آن هستند. یعنی اگر به لحاظ فکری و فلسفی هماهنگی خاصی بین سیاستگذاران و قانون‌گذاران در يك کشور به وجود بیاید، و لاقلاً همه بدانند که مثلاً سیمایی که از يك نظام اسلامی ترسیم می‌کنند و می‌خواهند به آن جامه عمل بپوشانند باید هماهنگ باشد، راحت‌تر می‌توانند ابعاد مختلف معضلات را بسنجند. با توجه به متخصصین، مشاورین و کارشناسانی که خوشبختانه در امور مختلف هستند و حقوقدانان و فقهای که هستند اینها معضلاتی نیست که حل نشود. مهمترین معضل آن است که درخصوص فلسفه سیاسی و تفکر اجتماعی، بین مسئولین طراز اول کشور هماهنگی وجود ندارد. و این دوگانگی در ساختار سیاسی و اجتماعی کشور دیده می‌شود.





معرفت‌شناختی به اندیشه‌های امام است، واز دو جنبه و دو زاویه به قضیه نگاه می‌کنند و شاید بتوان گفت که این واقعیت است. اما همه در يك تاریکی هستند و به فرموده مولانا، به بخش‌هایی از این واقعیت دست می‌سایند.

آقای ذاکری آیا شما این موضوع را قبول دارید و این دوگانگی بین متولیان جامعه را که هر دو گروه هم به اندیشه‌های امام تأکید دارند، ملاحظه می‌کنید یا خیر؟

ذاکری: شما بحث تفوق مصالح بر منافع را مطرح کردید، اما این مسئله بسیار کلی

حضور: به نظر می‌رسد، پیش از آنکه بحث دوگانگی در مسایل سیاسی، يك مسئله جاری باشد، در واقع يك معضل تاریخی است. چرا که ما در طول دو‌یست سال گذشته در حیات سیاسی و اجتماعی جامعه با آن برخورد داشته‌ایم. شاید تعبیر آن «جنگ فکری» باشد. آن هم بین کسانی که خواهان تداوم وضع موجود بودند و آنها که خواهان تغییر یا تعالی وضع موجود هستند. در این عصر این مسئله بین کسانی که عاملین حکومت هستند نیز وجود دارد. جالب اینکه نگاه هر دو گروه از لحاظ



است، کدام مصالح؟ کدام منافع؟ ما از اندیشه‌های امام استفاده می‌کنیم، امامی که اینهمه به مصالح تأکید می‌کرده؛ باید توجه داشته باشیم که دستورات اسلام براساس مصالح است، اما مصالح چه کسی؟ مصالح افراد یا جامعه؟

امام ضمن اینکه به شورای نگهبان تأکید می‌کردند که تصویب مصوبات مجلس با اسلام هماهنگ باشد، اما تأکید داشتند که مصلحت جامعه را فراموش نکنید. ایشان در سخنانشان به شورای نگهبان تأکید دارد که اگر مصوبه‌ای برخلاف اسلام است اما مطابق با مصلحت جامعه است، تحت شرایطی تصویب شود. اما آن زمان شورای نگهبان این مطلب را نپذیرفتند و شاید نخواستند باور کنند. امام خواستند کاری ابتکاری داشته باشند و به همین دلیل مجمع تشخیص مصلحت را به وجود آوردند، آنجایی که بین مصوبات شورای نگهبان و قوانین اسلام مغایرت است، جای دیگر براساس مصالح جامعه تصمیم می‌گیرد، بنابراین باید مصالح و منافع مشخص شود.

اگر شخصی می‌خواهد منافع خود را بر مصالح دیگران ترجیح دهد، بله، این همان مضمونی است که جنبه قدرت طلبی و دیکتاتوری پیدا می‌کند. امام که خودشان از

شر نفس رها شده بودند، همواره در بحث اخلاق، مسئله تهذیب را اشاره می‌فرمودند. وقتی عوامل اختلاف و تفرقه را بر می‌شمارند، یکی از عوامل اختلاف، نفس است، و با يك ناامیدی می‌گویند که از این موضوع بگذریم، نفس به سراغ همه می‌رود؛ رئیس جمهور، وزرا، و از هیچ کس دست بردار نیست و مهمترین عامل اختلاف را در همین مسئله نفس می‌دانند، یعنی تربیت نشدن افراد و در نتیجه توجه نداشتن به مصالح مردم و گرفتار خودشدن، مسائلی بود که همواره توصیه می‌کردند و می‌فرمودند که به مردم و جامعه فکر کنید.

شاید در بسیاری از جوامع مطرح کردن اندیشه‌های امام يك بحث ابزاری باشد. کما اینکه خیلی‌ها در طول تاریخ از قرآن به عنوان ابزار استفاده کردند. آن هنگام که معاویه قرآن روی نیزه زد، اعتقادی به آن نداشت و صرفاً يك ابزار بود. بنی‌عباس که آمدند شهادت امام حسین (ع) را وسیله‌ای بر علیه بنی‌امیه قرار دادند، استفاده ابزاری کردند، پس در زمان ما هم ممکن است اندیشه امام را به عنوان ابزار استفاده کنند. کسانی که اهل دنیا طلبی هستند از مسائل اسلام برداشت خاصی دارند، البته بعضی از این اعتقادات فکری و طبیعی راه حل خودش را دارد، بحث



و گفتگویی صورت می‌گیرد تا بالاخره افراد به حقیقت برسند و تسلیم شوند. اما گاهی دو طرف در برابر هم قرار می‌گیرند، یکی می‌داند که طرف دیگر چه می‌خواهد. بعضی‌ها از حرفهای امام استفاده ابزاری می‌کنند که قابل هدایت نیست، و راه کار خاص خودش را می‌خواهد. به هر حال بزرگترین بحث امام، که اولین موضوع در وصیتنامه ایشان است، بحث تفرقه بوده. به لحاظ اهمیت این امر، می‌فرماید آنچه که باعث پیروزی انقلاب شد وحدت بود و سعی کنید آن را حفظ کنید. در هر حال در جریانی که در کشور است، یک بحث طولانی را می‌طلبید، و باید بدانیم و بشنویم که در چه موردی صحبت می‌شود.



حضور: این موضوعی که شما

اشاره کردید، یعنی اینکه حضرت امام در سخنرانیهای خود بر وحدت تأکید می‌کردند. مانند حکایت فردی است که در خانه‌ای است که در این خانه دو گروه هستند که دارای اندیشه‌های خاصی هستند و اندیشه‌های متفاوت دارند، اما دارای یک هدف هستند، و تلاش امام این است که به آنها بفهماند که به آن هدف توجه کنند، نه به اندیشه‌هایی که هست. به نظر

□ ذاکری: امام ضمن اینکه به شورای نگهبان تأکید می‌کردند که مصوبات مجلس با اسلام هماهنگ باشد، اما همچنین تأکید داشتند که مصلحت جامعه را فراموش نکنید



می‌رسد، بسیاری از مسائل فعلاً مسکوت مانده. زیرا شهامت در طرح آزادانه مسائل، خصوصاً در حوزه فرهنگ مهم است، به اعتقاد من در اندیشه و مقام عمل، امام از يك آزادی و جسارتی برخوردار بودند که بعد از ایشان کمتر دیده شد و در واقع نوعی محافظه کاری در جامعه بوجود آمد و یکی از بزرگترین مشکلات ما همین برخوردهای محافظه کارانه است. در حالی که امام اینگونه نبودند و دیدگاه خود را صریح مطرح می‌کردند و به همگان تأکید داشتند که به اصل و هدف جامعه توجه کنند، نه اینکه مسائل فرعی را در نظر بگیرند. آیا فکر نمی‌کنید یکی از مسائلی که دیدگاه‌های امام را در حوزه فرهنگ تحت شعاع قرار داده، اختلاف در گروه‌های مختلف و فقدان روحیه شهامت و جسارت در طرح مسائل است؟

راکمی: من این مسئله را تنها در عدم شهامت و جسارت نمی‌دانم، بلکه متأسفانه بخش اعظم آن، مربوط به اندیشه‌های غیر فرهنگی است. یعنی معتقدم اگر مسئولین به اندازه حضرت امام - آنگونه که امام



□ ذاکری: اگر مسئولین ما - در هر بخشی که هستند - آنگونه که شایسته بود، به وظایف خود عمل می‌کردند، و ساده‌زیستی را حفظ می‌کردند، قضاوت نسل جوان و مردم چیز دیگری بود

□ راکمی: در هیچ نظامی، ولو هرچقدر دمکراتیک و مردمی، آزادی بی‌قید و شرط وجود ندارد

می‌اندیشید - شجاعت داشتند که با قاطعیت افکار را پیش ببرند، وضع غیر از این بود. البته گمان من این است که در حال حاضر، کسانی که راه حضرت امام را هم به لحاظ اندیشه سیاسی هم به لحاظ اندیشه فرهنگی دنبال می‌کنند اصلاح طلبان هستند، در واقع همان فرزندان فاضل امام و آقای خاتمی که در طرح مسائل تردید نکردند. در حالی که مشکلات و دشمنان زیادی سر راهشان بود، تفکر خویش را مطرح کردند. در طول زمانی که گذشت معتقدم که اصلاحات تداوم طبیعی انقلاب اسلامی بود و توسط خلف‌ترین فرزندان امام انجام شد. و من ادعا دارم که اکثریت اصلاح طلبان اینگونه هستند. البته این هم دردی را دوا نمی‌کند. کسانی که می‌خواهند وضع به همان حال که هست بماند در زمان حضرت امام هم این‌گونه بودند و اینطور می‌خواستند. آنها حضرت امام را به دلیل تفکرات پویای خود از جنبه سیاسی بایکوت می‌کردند. همان طیف است که در زمان حضرت امام جرأت عرض اندام نداشت و پس از فوت حضرت امام، دقیقاً رو در روی اصلاحات و تفکرات امام ایستادند. یعنی به نظر من، ما دو خط تفکر سیاسی نداریم. خط سیاسی حضرت امام را داریم و طیفی که قشری نگر یا متحجر

□ راکعی: خوشبختانه، ولی فقیه در زمان حال از دوستان و همفکران حضرت امام هستند و کسی است که امام افکار ایشان و خود وی را قبول داشته است

□ ذاکری: امام به شورای نگهبان فرمودند همه اشتباه می‌کنند. من هم اشتباه می‌کنم. اما مهم این است: زمانی که انسان متوجه اشتباه خودش شد، آن را جبران کند



است. چنین مسایلی از زمان حضرت علی علیه السلام هم بوده است. بزرگوارانه نگاه کردن، مهربانانه دیدن قضایا، پدر یتیمان بودن، و یک تعادل برقرار کردن و دین اسلام را از دین سهل و دینی که مردم از عهده ادای فرایض آن بریابند و دینی که تعادل است نه افراط است و نه تفریط، این دیدگاه امام است. در مقابل دیدگاه قشری نگری که شهید مطهری در کتاب «اسلام و مقتضیات زمان» به بهترین وجه به آن اشاره می‌کند. دیدگاهی که ما نموده‌ای از آن را در این تفکر و با این مضمون که آیا مردم در این حد هستند که برای جامعه تصمیم بگیرند می‌بینیم. چهار یا پنج نفری بیابند و برای مردم تصمیم بگیرند، مردم را به حساب نیاوردن، امر به معروف و نهی از منکرهای آنچنانی کردن، و این طیف دوم قضیه است و این اختلاف نظرها بنیادی است و به صدر اسلام برمی‌گردد. دوره امام هم بود. حالا هم هست، و در حال حاضر در مظلومیت ملت و فقدان امام، خودش را به بدترین شکل نشان می‌دهد، اما چه می‌شود کرد؟

من فکر می‌کنم که باز آن پروسه‌ای که اصلاح طلبان واقعی - که پیروان واقعی خط فکری امام هستند - می‌خواهند که با تلاش و تفکر درست آن را در چهار چوب قانون



اساسی پیاده کنند، احکام اسلام را با مقتضیات زمان و مکان منطبق کنند و پاسخگو باشند و زندگی معنوی و حیات سرشار از معنویات را که امام به ارمغان آوردند حفظ کنند، بسیار مهم است. اینجا اختلاف نظرها زیاد است، در دنیای غرب هم بوده، شما اگر به مسائل قرون وسطی که منجر به روی کار آمدن دیدگاههای لائیک و کمونیست شد دقت کنید، می‌بینید که متأسفانه تمام اینها یعنی مسیرش را به نحو دیگری در ایران می‌بینیم. تنها راه این است که بگوییم تأکید ما روی تہذب و صداقت رفتار سیاسی است. همان‌گونه که در صحبت‌هایمان اشاره شد، در واقع هر دو دسته می‌گویند به اسلام و قرآن و زندگی معنوی معتقدیم. اصلاً اکثر کسانی که آقای خاتمی و همکارانش را قبول ندارند، در واقع از آن دنیا می‌ترسند، دین را قبول دارند، برای اسلام می‌ترسند. اما دیدگاه‌ها فرق می‌کند. اگر می‌گوییم و می‌خواهیم دین و اسلام حفظ شود باید تہذب را تقویت کنیم.

حضور: آنچه از بیانات حضرت امام به دست می‌آید این است که ایشان برای تہذب و تفکر ولو تفکر حزبی هر دو ارزش قایل بودند و با

□ ذاکری: اگر کسی می‌خواهد اندیشه‌های امام را درست درک کند و درست قضاوت کند باید همه مسایل را در نظر داشته باشد. اگر بخواهد تنها بخشی از آنها را در نظر بگیرد ممکن است دچار انحراف شود

بود، در عین اینکه در مسائل دینی بیشترین تعبد را داشت. شاید اگر نمونه‌های تعبد ایشان را بیان کنیم، مسائل شگفت‌آوری مطرح شود. امام با همه تعبدی که داشت از فکر گسترده‌ای برخوردار بود. هیچ یادمان نرفته در زمینه موسیقی فتوایی دادند که هیچ‌جا نمونه‌اش نیست. زمانی که یکی از علما از سردلسوزی نامه‌ای محرمانه برای امام نوشته بود - در جریان فتوای امام در خصوص شطرنج - که: «اینها به نفع شما نیست». امام در پاسخ نامه‌ای نوشت که از رادیو و تلویزیون پخش شد و آن اینکه «اگر بناست، برای بیان احکام اسلام کسی قربانی شود، دعا کنید آن فرد من باشم». اینگونه مسائل نشان دهنده قابلیت و شجاعت امام در سنت شکنی است. اینها بخشی از مسائل

تعجب و جمود فکری هرگز موافق نبودند و حتی تعطیلی حزب جمهوری اسلامی در زمان ایشان نیز دلایل متقن خود را داشت. خوب است جناب ذاکری نیز در این زمینه توضیح بفرمایند.

ذاکری: با آن شهامت و شجاعتی که امام داشت، بر هیچ کس پوشیده نیست که ایشان يك مرد استثنایی بود، به خصوص در شناخت دین و مذهب يك فرد فوق استثنای بود. حضرت خامنه‌ای هم در اوایلی که زمام رهبری به دستشان رسید، در چندین سخنرانی، حضرت امام را به عنوان يك فرد استثنایی یاد کردند و این پیام در صحبت‌هایشان هست. بنابراین امام در شناخت از سنت و سنت شکنیها فرد استثنایی





فرهنگی است که امام تا حدودی راه را باز کرد. بحث تحجر، و کوتاه فکری و بسته نگاه کردن مسائل دین در حوزه‌های دینی ما، یکی دیگر از مهمترین موضوعاتی بود که امام همواره از آن گله داشتند و در کتاب «ولایت فقیه» خود نیز دردمندانه از کسانی که در حوزه‌ها بودند و مانع کارشان در راه به پیروزی رسیدن انقلاب اسلامی می‌شدند، می‌نالد. ایشان به صراحت در این کتاب می‌فرمایند که مشکل اصلی ما شاه نیست، مشکل اصلی ما کسانی هستند که در حوزه، دست ما را از پشت می‌بندند و مانع مبارزه می‌شوند و با این کار آنها، دشمن آزادانه می‌تواند هر کاری خواست انجام دهد و توی سرمان بزند.

حتی در منشور روحانیت نیز، امام دردمندانه نالیده است. امام خاطره تلخی را درباره آقا مصطفی بیان می‌کند که طفلی بود و رفت از کوزه‌ای آب نوشید و دیگران آن کوزه را نجس دانستند و آب کشیدند. چراکه پدرش روح الله است و فلسفه تدریس می‌کند، از نظر آنان تدریس فلسفه کفر بود.

همه تلاش امام این بود که افکار خشک و بسته‌ای را که حتی در حوزه‌های علمیه ما بود، کنار بزند. یکی از مسائلی که متأسفانه تأثیر زیادی در عدم پیشرفت ما در بسیاری از

مسائل فرهنگی نهاد همین افکار بسته است. امام آن شجاعت و حریت را در طرح مصالح جامعه داشتند. همان گونه که اشاره کردید اینکه بعد از امام راه و فکر امام ادامه پیدا نکرد. واقعیت تلخی است. اما از طرفی این امر، طبیعی است، زیرا ما توان همگامی با امام را نداشتیم. این امام بود که انقلاب را به پیروزی رساند، دیگران تنها دنباله‌رو ایشان بودند، و اگر در تداوم انقلاب و بحث جنگ امام نبود، هیچ کس نمی‌داند که چه سرنوشتی در انتظار انقلاب بود. بنابراین، امام شایستگی و توانایی خودش را داشت. دیدگاه‌هایی هم در بحث تحزب و احزاب دارند، در پاریس هم که بودند مطالبی در مورد احزاب فرمودند، اما بالاخره همه اینها يك هدف را دنبال می‌کرد. هدف کلی اسلام بود، اسلامی که متولی پاسخ‌گویی نیازها و مشکلات هر نسلی در هر مقطعی باشد. آنچه برای امام مطرح بود، اسلام بود، البته اسلامی که رفاه و آسایش مردم را فراهم کند و بهشت را به دنبال داشته باشد، یا به عبارتی در بردارنده سعادت دنیا و آخرت باشد. و اگر کسی برخلاف این حرکت می‌کرد. امام از اصل مهم و پویای ولایت فقیه استفاده می‌کرد.

مهمترین میراث امام، ولایت فقیه است.



آشفته‌گی نزدیک کرد، از ولایت فقیه استفاده شد و او را آزاد کردند. در واقع این کار به نفع همه بود و هیچ کس هم اعتراض نکرد.

البته گاهی استفاده از ولایت فقیه و دفاع کردن از آن در جایی که هیچ راه قانونی وجود نداشته باشد، با استقبال مواجه نشده است. ولی به هر حال منصفانه نیست زمانی که از دیدگاه‌های امام صحبت می‌کنیم، به سراغ آنهایی برویم که به نفع خودمان است. یکی دیگر از مهمترین مشکلات ما در طول تاریخ همین بوده، که مثلاً هر طایفه‌ای از مسلمانان به سراغ آیات و احادیثی رفته‌اند که به نفع خودشان است. خدا در قرآن می‌فرماید کسانی هستند که تنها به آیاتی که به نفع خودشان است ایمان می‌آورند و به آنها که برخلاف میلشان است کفر می‌ورزند.

پس اگر بخواهیم درخصوص امام و افکارش اینگونه برخورد کنیم، يك برخورد ابزاری می‌شود. علاقمندان واقعی امام باید آنچه را که از ایشان به صورت يك مجموعه باقی مانده در کنار هم ببینند و بین آنها ارتباط برقرار کنند و اگر این‌طور بشود، هیچگاه در رسیدن به هدف دچار قضاوت نادرست نمی‌شوند.

ایشان در اواخر عمر شریفشان خطاب به رئیس جمهور وقت (آیت الله خامنه‌ای)

□ راکعی: موضوعی که امام دوست نداشت و در جمهوری اسلامی نتوانست خود را نشان دهد و تداوم پیدا کند تك حزبی و تك صدایی بود

اما اینکه ولایت فقیه چیست، جای بحث و گفتگو دارد. حدود و اختیارات ولایت فقیه هم در بحث دیگری می‌گنجد.

اگر از ولایت فقیه به گونه‌ای درست استفاده شود و همه مردم آن را احساس کنند، تصمیمی که گرفته شده به نفع آنها هست و هیچ کس با ولایت فقیه مخالف نخواهد شد. آن زمان، حزب جمهوری اسلامی کارش به جایی رسیده بود که نزدیک بود جامعه را دچار مشکلات و بدبینی‌هایی کند، و تا آنجا پیش رفت که مؤسسين حزب از امام درخواست کردند که بفرماید فعلاً حزب متوقف شود.

اگر اسلام و مصالح جامعه، در کنار هم قرار بگیرند مشکل آفرین نخواهد بود. مثلاً بازداشت آقای کرباسچی جامعه را به



نوشتند که اشکال بلکه تخطئه یکی از مواهب الهی و اسباب رشد انسانهاست. امام که اینهمه بر آزادی صحه گذاشتند، تلاش می‌کردند که ارزشها نیز در مسیر مصالح جامعه و مردم باشد.

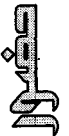
استفاده از ولایت هم، برای زمانی است که راههای عادی جوابگو نیست، در اصل ۱۱۰ قانون اساسی نیز، یکی از اختیارات رهبری، حل معضلات و مشکلاتی است که از طریق عادی قابل حل نیست. رهبر به موقع و به جا از قدرت خویش استفاده می‌کند و از طرف علما نیز تشویق می‌شوند.

بنابراین اگر همه مسائل را در کنار هم ببینیم در ذهنمان دچار تضاد نمی‌شویم البته این مسئله نیز خود، نوعی اجتهاد می‌طلبد تا انسان بتواند بین حرفها و رفتار امام سازگاری ایجاد کند و در صحبت‌های امام دچار تضاد نشود. متأسفانه بعضی، دانسته و یا نادانسته دچار تضاد می‌شوند و گمان می‌کنند امام در بعضی جاها دچار تضاد و تناقض بوده. اگر چه امام با آن همه عظمت خویش، راه را برای کسی نبسته که بر او انتقاد بگیرند و حتی خطاب به شورای نگهبان فرمودند همه اشتباه می‌کنند، من هم اشتباه می‌کنم، اما مهم این است، زمانی که انسان متوجه اشتباه خودش شد، آن را جبران کند.

این حق برای دیگران محفوظ است که با رعایت احترام و صد البته با استدلال بگویند که امام در فلان مورد نظر مساعدی نداشته. اما اگر کسی می‌خواهد نظرات امام را درست درك کند و درست قضاوت کند، باید همه مسائل را در ذهن داشته باشد و اگر بخواهد، تنها با بخشی از آنها پیش برود، ممکن است دچار انحراف شود و در مورد امام قضاوتی نادرست داشته باشد.

راکمی: جناب ذاکری، به ضرورتی که امام در آن برهه زمانی برای تعطیل کردن حزب جمهوری اسلامی تشخیص دادند، اشاره کردند و من هم می‌خواهم بگویم که اگر از يك زاویه دیگری به تعطیلی حزب جمهوری اسلامی نگاه کنیم، دقیقاً به تأیید تحزب و چند حزبی و چند صدایی در کشور خواهیم رسید.

اگر شرایط آن روزها را به یاد آوریم به این موضوع پی خواهیم برد که حزب جمهوری اسلامی در آن روزگار چه از طرف برخی از دوستان انقلاب و چه از طرف دشمنان انقلاب که مسائل جامعه را حاد می‌کردند به این موضوع محکوم می‌شد که تك حزبی در کشور راه انداخته و آن را به عنوان حزب دولتی، تك حزبی و تك صدایی می‌شناختند.



□ راکعی: لااقل احزاب بیایند و  
صادقانه افکار خودشان را مطرح  
کنند و ببینند مردم کدام را انتخاب  
می کنند

به این دلیل حزب جمهوری اسلامی از  
طرف دشمنان انقلاب و گاه برخی از دوستان  
انقلاب بسیار تضعیف می شد و کار به جایی  
رسید که با نظر حضرت امام این حزب تعطیل  
شد. این مطلب نشان می دهد موضوعی که  
امام آن را دوست نمی داشت و در جمهوری  
اسلامی نتوانست خودش را نشان بدهد و  
تداوم پیدا کند، تک حزبی و تک صدایی بود.  
هرچند که من احترام خاصی برای اعضا  
تشکیل دهنده حزب جمهوری اسلامی قائل  
هستم اما متأسفانه باید این موضوع را  
یادآوری کنم که لااقل دشمنان انقلاب، آن  
هنگام حزب جمهوری اسلامی را با حزب  
رستخیز مقایسه می کردند و چنین مسائلی  
بود که به تعطیلی حزب جمهوری اسلامی  
انجامید. پس ما می توانیم از تعطیلی حزب

جمهوری اسلامی این نتیجه را بگیریم که  
باید در کشور چند حزبی و چند صدایی  
وجود داشته باشد، با مرامها و روشهای  
مختلف، تا بر اثر فعالیتهای این احزاب و  
ایجاد حالتی رقابتی بین آنها در جامعه، به  
اهدافی برسیم که برای پیشبرد نظام جامعه و  
تأمین منافع مردم بکار گرفته شود.

اما يك نکته ای را که می خواستم روی آن  
تأکید کنم، آن است که کسانی که داعیه دار  
اعتقاد به قرآن و زندگی معنوی هستند - البته  
تا همین حد، نه اینکه حتی طرفدار رفتار و  
تفکر سیاسی حضرت امام باشند - اگر  
صداقت داشته باشند و خود را در میزان رأی  
مردم بسنجند آن وقت تحزب معنی پیدا  
می کند.

صداقت یکی از اولین آموزه های دینی در  
هر دینی است و اسلام هم بخاطر مطالب  
اخلاقی که آورده و آمده تا مکارم اخلاقی را  
کامل کند، کاملترین دین از نظر همه ماست.  
پس اگر اینان فقط صداقت را رعایت نکنند  
و بدون اینکه دیگران را متهم بکنند و بدون  
اینکه خدای ناکرده بخواهند واقعیت ها را  
کتمان کنند و نشان ندهند، اگر احزاب  
محافظه کار یعنی آنهایی که در مقابل  
اصلاحات هستند، شعارهای خود را به  
روشنی و با شفافیت به مردم بگویند و اینقدر



صداقت داشته باشند که بگویند ما خودمان مرجع تقلید هستیم، مجتهد هستیم و این دیدگاه ماست که جامعه اسلامی و جمهوری اسلامی اصلاً معنی ندارد، و ما معتقد به حکومت اسلامی هستیم و از سوی دیگر طرفداران تفکرات حضرت امام، در پاسخ آنان «نه» بگویند و به آنان بگویند که امام می فرمود جمهوری اسلامی اینگونه نهادینه می شود که میزان رأی ملت باشد، آن هنگام تحزب معنی پیدا می کند.

من می گویم لا اقل احزاب بیایند و صادقانه افکار خودشان را مطرح کنند و بعد ببینند مردم کدام را انتخاب می کنند و این موضوع را کسی نمی تواند کتمان بکند که حضرت امام می فرمودند: «جمهوری اسلامی نه يك كلمه کم نه يك كلمه زیاد» برای اینکه همان هنگام هم کسانی بودند که می گفتند حکومت اسلامی اما امام آن را نمی پذیرفتند و فرمودند «میزان رأی ملت است».

همان افرادی که همان زمان می گفتند «حکومت اسلامی» الان دارند به اسم امام کسانی را که راه امام را می روند تخطئه می کنند. این موضوع در حال آلوده سازی فضای سیاسی اجتماع است و این موضوع است که نمی گذارد تلاشها به جایی برسد و نمی گذارد اصلاحات به طور کامل پیاده شود



و نمی گذارد مشکلات حل شود و اگر روند به همین شکل ادامه پیدا کند متأسفانه و قطعاً ما نسل سوم انقلاب را از دست خواهیم داد.

حضور: حالا می خواهیم بحث را به سوی بکشیم که بی ارتباط با حوزه کاری شما دو بزرگوار نیست و آن هم بحث آزادی است.

آزادی يك طيف بسیار وسیع دارد که يك بخش از آن مربوط به آزادی تفکر و بیان و آزادی انتخاب است، حال این انتخاب، انتخاب يك فرد باشد یا افرادی که در تعیین سرنوشت او مؤثر هستند و شما هم که در این میزگرد شرکت کرده اید از همین طریق بر کرسی نمایندگی مجلس شورای اسلامی نشسته اید.

از صحبت هایی که مطرح شد اینگونه استنباط می شود که حضرت امام دیدگاهی کاملاً صریح و روشن در باب آزادی داشتند و امام در جایی که از سیاست صحبت می کردند بر این باور بودند که سیاست سیر انسان است به سوی الله، و وقتی ما به کنه این گفتار پی می بریم می بینیم که در چنین حالتی انسانها به عنوان عالیترین

□ ذاکری: برای تداوم افکار و اندیشه‌های امام  
باید آنها را به صورت قانون درآوریم، در غیر این  
صورت به مرور زمان به فراموشی سپرده می‌شود

که همه تلاش امام برای رسیدن به اسلام بود و از منظری به همه مسائل نگاه می‌کرد که براساس تعهدی بود که برابر دین اسلام داشت، در مورد آزادی هم چارچوبی که امام مطرح کرد طبق چارچوب اسلام و برداشتی بود که از دین و قرآن داشت. ایشان نظرات و اعتقادات خود را درمواقع و مجالس مختلف ابراز کرده است.

امام مسلماً متعهد به يك نظام لیبرال-دمکرات نبود. امام از يك نظم و انضباط فکری- که بالطبع يك نظم و انضباط اجتماعی می‌باشد- برخوردار بود.

وقتی در روزهای نخستین پیروزی انقلاب، اصل نظام جمهوری اسلامی و اصل اسلامیت نظام به فراندوم گذاشته شد و بیش از ۹۸ درصد مردم به آن چارچوب و شکل کلی نظام رأی دادند، امام هم از نظر قانونی

موجودات و عالیترین مخلوقات از همه قیود آزاد می‌شوند و به اوج می‌رسند، و با چنین دیدگاهی است که امام رهبری جامعه ما را برعهده می‌گیرد.

حال با در نظر گرفتن شرایط کنونی جامعه، این مقوله و این واژه را که به نظر بعضی‌ها از «الف» تا «ی» یعنی تمامی سی و دو حرف فارسی و تمامی معانی را در خود دارد، چگونه می‌توان ارزیابی کرد؟ و فکر می‌کنید که تا چه حد توانسته‌ایم به دیدگاه حضرت امام درباره مقوله بسیار مهم آزادی جامعه عمل بپوشانیم، و خصوصاً در حوزه بیان و انتخاب به آن دست پیدا کنیم.

ذاکری: با آن کلیاتی که گفته شد و گفتیم



خودش اعتقاد داشت و مردم هم به آن رأی داده بودند می‌گنجد. وقتی مردم اصل را پذیرفتند باید فروعش را نیز بپذیرند. یا وقتی در آن نامه‌ای که گفته شد، امام فرمودند وقتی کسی، کسی را تخطئه می‌کند در هر مقامی که باشد این موهبت الهی است، و در نامه‌ای به حاج احمد آقا نوشتند که مخالفت را یک موهبت الهی می‌دانند و از این مخالفت‌ها خیر و برکت زیادی می‌رسد، نشان دهنده طرز فکر امام نسبت به آزادی بیان و اندیشه است.

نکات بسیار دیگری هست که از آن می‌توانیم استنباط کنیم. امام آزادی خاصی که برآمده از دین و قرآن بود و همان چارچوب کلی که مردم به آن رأی داده بودند را قبول داشت و هیچوقت از آن مسیر و هدفی که انتخاب کرده بود بیرون نمی‌رفت و نمی‌خواست که دیگران هم از آن مسیر پا بیرون بگذارند.

من معتقد هستم امام هیچ موقع با آنچه که مربوط به خودشان و درمورد مخالفت ناصحان و خیرخواهان نسبت به حاکمان بود ممانعت بعمل نمی‌آوردند اما اگر به تشخیص می‌رسید که در جایی برای مردم به اسم آزادی مشکل آفرینی می‌شود با قاطعیت جلوی آن را می‌گرفت.

و هم از نظر نظم و انضباط اجتماعی مسیر خودش را مشخص کرد، یعنی آنچه را به اسم دین می‌گفت به فراندم گذاشت و مردم نیز آن را پذیرفتند. پس بنابراین وقتی جامعه‌ای یک قانونی را پذیرفت باید به لوازم آن قانون نیز پای‌بند باشد و تمام حرکت‌های امام هم در همان قالب و چارچوب بود. در همان چارچوب بود که آزادی را قبول داشت و این حق را برای مردم قبول داشت و در انتخابات قاطعانه فرمودند: «میزان رأی ملت است» ملت آزاد و آگاه در همان مسیر و چارچوب هر چه را و هر که را انتخاب کردند نایستی حاکمان آنچه را خودشان می‌خواهند از صندوقها بیرون بیاورند بلکه آنچه مردم می‌خواهند باید بشود.

امام این حق و آزادی در انتخابات را برای مردم قائل بود ولی امام در همان راستا در وصیتنامه خودش به نمایندگان مجلس اکیداً سفارش می‌کند اگر نماینده‌ای با وابستگی به شرق یا به غرب به مجلس راه پیدا کرد به اعتبارنامه‌اش رأی ندهید.

هر دوی این مسائل را باید در کنار هم دید و این تضاد نیست که در جایی می‌فرماید؛ میزان رأی ملت است، و در جای دیگر به نمایندگان آن را توصیه می‌کند، بلکه این دو مسئله در همان قالب و چارچوب کلی که



## □ راکمی: امام بر آزادی اندیشه، بیان و رفتار تا آنجا که به ارزشهای نظام خدشه‌ای وارد نکند، تأکید داشتند

ضمانت اجرایی برای آن نیست. از اوایل انقلاب و بعد از انقلاب و حتی سالیان بعد از رحلت امام همین طور رفته رفته خیلی از مسائل مشمول مرور زمان شده و آن عشق و علاقه و اعتقادی که در روزهای اول به امام بود به دلایل مختلف کمتر و کمتر شده و الان ما نباید این انتظار را داشته باشیم که هرکسی در هر مقامی که هست با انگیزه شخصی خودش و با اعتقاد شخصی تمامی سعی و همت خودش را بکار گیرد که بیند افکار و اندیشه‌های امام چه بوده تا آنها را رعایت کند. این توقع، توقع عبث و بیهوده‌ای است. البته اگر افکار و نظرات و خواسته‌های امام به صورت قانون درآمد، الزام آور می‌شود. کما اینکه در آئین‌نامه داخلی مجلس داریم که استیضاح کاری یک مرحله‌ای است که وزیر در صحن مجلس استیضاح می‌شود ولی سؤال دو مرحله‌ای است و اول حتماً باید در کمیسیون مطرح شود و اگر آنجا نماینده سؤال کننده قانع نشد سؤال به صحن علنی مجلس فرستاده می‌شود و این قانون دقیقاً

پس وقتی بحث آزادی مطرح می‌شود باید ما آزادی را مطرح کنیم که در قانون اساسی هم ذکر شده است. آزادی امری غیر مقید و غیر مشروط نیست، بلکه من معتقد هستم در هیچ کشوری به آزادی مطلق پای بند نیستند. آزادی هم مانند همه مقوله‌های دیگر حد و حدود و مرزهایی دارد. آزادی تا جایی که منجر به تشویش افکار عمومی نشود و طبق قانون اساسی مخّل به مبانی دین نباشد هیچ اشکالی ندارد، اما این ایراد بر ماست که نتوانسته‌ایم این مقوله را کاملاً قانونمند و ضابطه‌مند کنیم و یک تعریف کامل و جامعی ارائه بدهیم که کدام آزادی مخّل مبانی دین است و کدام آزادی موجب تشویش افکار عمومی می‌شود. حتی در اینجا انتقادهایی به ما مجلسیان وارد است که نتوانسته‌ایم افکار و اندیشه‌های امام را قانونمند و ضابطه‌مند کنیم.

اگر ما علاقه‌مند به استمرار و تحقق افکار امام هستیم، تا زمانی که این افکار به صورت قانون و ضابطه الزام آور درنیاید، هیچ





برگرفته شده از نظر حضرت امام است زیرا امام فرموده‌اند برای آنکه رابطه صفا و صمیمیت بین دولت و مجلس حفظ شود، سئوالات و ابهاماتی که بین مجلس و دولت بوجود می‌آید ابتدا در کمیسیون مطرح شود و اگر به تفاهم نرسیدند به صحن مجلس برود و از تریبون علنی به گوش مردم برسد.

این نظر امام به صورت قانون درآمده و در آئین نامه داخلی مجلس لحاظ شده است. این يك نمونه از آرا و نظرات امام است که به صورت قانون درآمده است.

اگر بخواهیم آرا و اندیشه‌ها و نظرات امام را الزام آور کنیم قطعاً شدنی است و من توصیه‌ام به مؤسسه نشر آثار و اندیشه‌های حضرت امام این است برای اینکه جامعه بیشتر از افکار و اندیشه‌های امام بهره‌مند شوند چه اشکالی دارد افراد کارشناسی را بکار گیرند، اعتبار مالی هم که دارد و اگر اعتبار خاصی هم لازم باشد مجلس و دولت به مؤسسه می‌دهد تا در بخشهای مختلفی نظرات امام را حتی در قالب طرح تهیه کنند و این طرحها می‌توانند از طریق دولت به صورت لایحه به مجلس فرستاده شود و یا از طریق خود مجلس به صورت طرح، مطرح و به صورت قانون درآید. اگر این کار را موفق شدیم انجام دهیم به راهکاری برای تداوم



افکار و اندیشه‌های امام رسیده‌ایم و الا در غیر این صورت به مرور زمان مثل همه مسایل دیگر به فراموشی سپرده می‌شود.

راکعی: من در تأیید صحبت‌های آقای ذاکری و در تکمیل آنها می‌گویم که در هیچ نظامی ولو هرچقدر دمکراتیک و مردمی باشد، آزادی بی‌قید و شرط نیست، بلکه همان نظام نیز قانون دارد و همه موظف هستند به آن قانون پایبند و وفادار باشند و اگر بخواهند به آن قوانین خیانت بکنند با آنان برخورد خواهد شد و هیچ جای تسامح در آن نیست و این امر خودش قید و بند است.

میزان و ملاک در جوامع پیشرفته و مردمی و آنچه که مورد پسند امروز دنیاست رأی مردم است و وقتی اکثریت به موضوعی رأی دادند همه از آن تبعیت می‌کنند.

تعاریفی که از نظر من حضرت امام و اصلاً اسلام از دهه‌های پیش و از صدر اسلام در مورد آزادی، بیان کرده گمان می‌کنم کاملاً منطبق با جدیدترین تعاریفی است که از آزادی در متون علمی و متون اجتماعی داده شده است و آن این است که آزادی همه محترم است تا آنجایی که به آزادی دیگران خدشه‌ای وارد نشود و این را ما به عنوان يك تعریف علمی از آزادی قبول داریم.

در واقع تمام تأکید حضرت امام به عنوان تئوریسین و ترسیم کننده يك نظام جامع اسلامی بر آزادی بیان، اندیشه و رفتار تا آنجایی که خدشه‌ای به اصول اخلاقی نظام، ارزشهای نظام و به اصول اجتماعی، سیاسی و فرهنگی وارد نکند، بوده است.

همچنین این موضوع را نیز می‌خواستم تأکید کنم که قطعاً امام نمی‌توانند جدا از مکتب اسلام باشند و تمام آنچه را که در طول حیات خودشان بیان کرده‌اند در قالب تاسی به سیره و قول نبی اکرم و بالاتر از آن قرآن و بعد از آن نهج البلاغه بوده است. وقتی ما مکتب امام جعفر صادق (ع) را داریم که در آن حتی ملحدین و کسانی که اصلاً به خدا اعتقاد ندارند می‌توانند با کسی که از اولیا خداست و پاسدار شریعت انسان است بحث کنند و ادله‌ای در نفی خدا مطرح کنند و جوابهایی در نفی آن ادله بشنوند، چنین مکتبی برای استدلال و آزادی فکر و اندیشه تا جایی که مخرب و توطئه نباشد و نخواهد نظام را به زیر سؤال برد احترام قائل است. امام نیز که از این مکتب اصول تفکری خود را به ارث برده، قطعاً می‌خواستند چنین مکتبی را نهادینه کنند و به همین دلیل هم می‌خواستند تا جایی که امکان توطئه و تخطئه نظام اسلامی نباشد به مردم آزادی

بدهند و حتی در مضمون فرمایشات ایشان در مورد آزادی مطبوعات همین امر به ذهن متبادر می‌شود که ایشان آزادی را برای مطبوعات اصل می‌دانستند البته تا جایی که نخواهند نظام را تخریب کنند و نخواهند توطئه کنند و نخواهند افکار الحادی را به صورت غیرصادقانه به خورد مردم بدهند چون این موضوع را اصلاً خود مردم اجازه نمی‌دهند، همان مردمی که بیش از ۹۸ درصد آنها به جمهوری اسلامی رأی داده‌اند و مردمی که عزیزترین کسان خود را قربانی نظام معنوی اسلامی کرده‌اند. بنابراین اندیشه‌های حکومتی و اداره اجتماع امام نشأت گرفته از حکومت عدل امام علی (ع) و آن مسائلی که از سیره حکومتی امام علی (ع) و از سیره نبی اکرم و قرآن و به طور کلی از اسلام ناب واقعی بود که يك منظومه فکری کامل است که اجزای آن به هم پیوسته است. در مورد ولایت فقیه که جناب ذاکری بسیار زیبا به آن اشاره کردند، من نیز این نکته را اضافه می‌کنم که آن شمایی که حضرت امام برای اداره يك نظام اجتماعی که بر رأی مردم متکی است ترسیم کرده‌اند ولی فقیه ناظری است بر همه رفتارهای قوای سه‌گانه و بر کار آنان نظارت می‌کند و زمانی که اختلاف مهمی ایجاد شود یا جامعه با

معضلاتی مواجه شود که حتی قانون آن را پیش بینی نکرده، این ولی فقیه که عالم بر امور کشور و جهان است و عادل نیز می باشد می تواند برای آن جاهایی که قانون پاسخگو نیست و یا در موارد اضطراری تصمیم نهایی را بگیرد.

در يك نظام غیردینی قطعاً نظارت و اشراف ایدئولوگها و کسانی که بیشتر از دیگران به مسائل اجتماع اشراف دارند وجود دارد ولی سریعاً وصل کردن هر مشکلی به ولی فقیه و طرد هر نظر مخالفی با این عنوان که ضد ولایت فقیه است يك باز خورد منفی در جامعه بوجود می آورد.

البته این نکته را باید در نظر داشت که خوشبختانه ولی فقیه در زمان حال از دوستان و همفکران حضرت امام هستند و کسی است که حضرت امام افکار ایشان و خود وی را قبول داشته اما يك بیمی که من دارم و همیشه نگران آن هستم این است که اگر طوری پیش بیاید که در خبرگان کسانی باشند که مثل امام نمی اندیشند و به مسائل سیاسی و اجتماعی گونه دیگری نگاه می کنند و اصلاً مردم را قبول ندارند و اصلاً دیدگاه سیاسی و اجتماعی مردم را قبول ندارند و آن را هم مستقیماً به مردم نمی گویند و در بعضی از ارگانهای بسیار کلیدی کشور راه دارند، در



جای ولایت فقیه قرار گیرند و بخواهند از آن موضع مجلس و دولت و مردم را به اسم حکومت اسلامی - البته آنگونه که خودشان می گویند - هدایت کنند، آن موقع چه خواهد شد؟

حضور: همان طور که اشاره شد، صحبت کردن درباره افکار و اندیشه های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حضرت امام، بسیار گسترده و پیچیده است و در این بحث یکی دو ساعته توانستیم به بخش کوچکی از آن اشاره کنیم و دیدگاههای امام را با رعایت کلیات مطرح کردیم که امیدواریم در مباحث آتی به صورت دقیقتری مسایل را مورد بررسی قرار دهیم و برای عینیت بخشیدن به اندیشه های آن حضرت که همگی آن را کلید حل مشکلات جامعه خود می دانیم، تلاش کنیم. انشاء الله